

## کرامت انسانی در سیره‌ی سیاسی امام علی (ع)

علی اکبر علیخانی

دانشجوی دوره‌ی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی

بحث این مقاله، پیرامون کرامت انسان، ماهیت آن و ابعاد این کرامت در تعالیم اسلامی است. این موضوع با توجه به بنیادها و مبانی و اصولی شناخته می‌شود که در فرهنگ شیعی امام علی بن ابی طالب (ع) آنها را بیان کرده است؛ و از این منظر می‌توان برابری، حفظ عزت نفس انسانی، تکریم و احترام به شخصیت انسان را از جمله موارد تحقق خارجی آن دانست. اما بحث در موانع این کرامت نیز از لحاظ نظری و عملی موضوع مهمی به حساب می‌آید. موانعی چون فقر و عوامل دیگر که موضوع بعدی مقاله است. چارچوب مقاله، حول و حوش این دو موضوع در نوسان است و در طی آن، نوعی فضای انسان‌شناسی اسلامی از دیدگاه امام علی (ع) تبیین و واریسی می‌شود.

### مقدمه

«انسان» به عنوان مهم‌ترین موضوع خلقت، همیشه جایگاه مهمی در اندیشه‌ها و مکاتب مختلف فلسفی داشته و «انسان‌شناسی» بخش عمده‌یی از معرفت بشری را در تاریخ علم به خود اختصاص داده است. بدیهی است تا ابعاد مختلف وجود انسان تحقیق و بررسی نشود، نمی‌توان تصویر روشنی از نحوه و حدود و ثغور زندگی اجتماعی انسان ارائه داد و نقش و جایگاه او را در جامعه تعیین کرد.

با توجه به ضرورت تبیین دیدگاه‌های اسلام در این مورد، در این مقاله قصد است «کرامت انسانی» در سیره‌ی سیاسی حضرت علی (ع) - از بعد نظری و عملی - بررسی و تجزیه و تحلیل شود. مقاله با تبیین دیدگاه‌های حضرت علی (ع) درباره‌ی «کرامت انسانی در خلقت» و «ضرورت شناخت کرامت انسانی» آغاز و با طرح جلوه‌های تحقق کرامت انسانی، وارد موضوع اصلی می‌شود. نگارنده سپس اصول برابری، حفظ عزت نفس انسانی و تکریم و احترام به شخصیت انسان را از مهم‌ترین شاخص‌ها یا شیوه‌های تجلی کرامت انسانی از دیدگاه امام علی (ع) برمی‌شمارد و در پایان مقاله، طی بحثی کوتاه در باب موانع تحقق کرامت انسانی، مسئله‌ی فقر را به عنوان مهم‌ترین مانع بروز و ظهور کرامت انسانی از دیدگاه امام (ع)، تجزیه و تحلیل می‌کند.

عمق، وسعت و عظمت سیره‌ی سیاسی امام علی (ع) و بضاعت اندک نگارنده، ضریب خطا را در استنباط و تحلیل مطالب افزایش داده و وظیفه‌ی خوانندگان محترم را در تذکر و راهنمایی او سنگین‌تر کرده است. امید که مقاله‌ی حاضر، مورد قبول حق تعالی قرارگیرد.

### کرامت انسانی در خلقت

مهم‌ترین گوهری که خداوند تعالی در خلقت انسان به او عطا فرمود، «کرامت انسانی» است. این ویژگی مهم که خداوند افتخار داشتن آن را فقط به اشرف مخلوقات خود داد، موجب تمایز انسان از سایر موجودات شد؛ و همه‌ی فرشتگان مأمور شدند در برابر این کرامت، سر تعظیم فرود آورند. حضرت علی (ع) بر این عقیده‌اند که خضوع و خشوع و سجده‌ی فرشتگان در برابر انسان، به خاطر کرامت او بود و به تعبیر دیگر، فرشتگان در مقابل کرامت انسانی به سجده افتادند. امام علی (ع)، پس از بیان نحوه‌ی خلقت انسان از سوی خالق یکتا، تصریح می‌فرمایند که:

آن‌گاه خداوند سبحان از فرشتگان خواست که به پیمان خویش عمل کنند و بر وصیت الهی گردن بگذارند و در برابر کرامت انسانی، به نشانه‌ی خضوع و خشوع سجده آورند. پس به آنان گفت: «در مقابل آدم به سجده درآیید...» (۳۴/۲)<sup>(۱)</sup>

بنابراین، آنچه فرشتگان به سجده و تعظیم در برابر آن مکلف شدند، نه گوشت و

پوست و استخوان و نه قامت کشیده‌ی انسان، بلکه «کرامت انسانی» بود؛ و موجودی که در برابر این کرامت سر تعظیم فرود نیاورد، از درگاه الهی رانده و دشمن خدا قلمداد شد: «... پس همگی بی هیچ استثنایی سجده‌اش کردند، جز ابلیس» که کبر ورزید و با تکیه بر اصل و نژاد برترش بر آدم فخر فروخت و به دام تعصب افتاد. چنین بود که ابلیس دشمن خدا، پیشوای متعصبان و نیای مستکبران شد. (۲)

خداوند تعالی از میان همه‌ی موجوداتی که خلق کرد، فقط یکی را برگزید و عطیه‌ی بی‌نام «کرامت انسانی» به او عطا فرمود و فرشتگان را فرمان داد تا در مقابل این عطیه‌ی باارزش و بی‌مانند سر تعظیم فرود آورند. تعظیم و سجده، بالاترین مرتبه‌ی احترام و خضوع و خشوع است که جز در برابر خداوند، شرک محسوب می‌شود؛ اما کرامت انسانی به‌حدی ارزشمند بود که این تعظیم به امر خداوند در مقابل آن صورت گرفت و فرشته‌یی که از تعظیم خودداری ورزید، مورد خشم و غضب الهی قرار گرفت و از درگاه الهی رانده شد، گرچه از فرشتگان مقرب آن درگاه به حساب می‌آمد. بی‌شک، انسان آن گوهر ارزشمند و کرامت‌والای انسانی را با خود به عرصه‌ی این خاک و زندگی دنیابیش آورد و این خصلت والا که از روح دمیده‌شده‌ی خدا در انسان منشأ می‌گرفت، جزو ماهیت بشر شد. بدیهی است هر که در این دنیا به این ویژگی منحصر به فرد انسان پی‌حرمتی کند و کرامت نفس هم‌نوعان دیگر خود را پاس ندارد و بر آن خدشه وارد سازد، سرنوشتی بهتر از ابلیس نخواهد داشت.

### شناخت کرامت انسانی

پی‌بردن انسان به ارزش و عظمت کرامت نفسی که در نهاد او به ودیعه‌گذارده شده یکی از مهم‌ترین مراحل خودشناسی است. انسان تا هنگامی که به توانایی‌ها و قابلیت‌های ذاتی خود پی‌نبرد و به گوهر ارزشمند کرامت خود واقف نشود، نمی‌تواند در مسیر تکامل و تعالی گام بردارد و آن قابلیت‌ها و کرامات نفسانی را به فعلیت برساند. حضرت علی (ع) در خصوص معرفت انسان به خود می‌فرماید:

دانا کسی است که قدر خود را بشناسد، و در نادانی مرد، این بس که پایه‌ی ارزش خویش را نشناسد. (۳)

بی‌تردید، غلتیدن انسان در دام دنیای دنی و فریفته شدن در برابر ظواهر زندگی مادی و تجملات دنیایی، با هدف خلقت الهی و کرامت و الایی که خداوند با دمیدن روح خود در انسان، آن را در نهاد بشر به ودیعت نهاد، ناسازگار است. حضرت علی (ع) تأکید می‌فرماید که مرا نیافریده‌اند که چون چهارپایان، خوردنی‌های گوارا سرگرم سازد یا به زیورهای دنیا فریفته شوم و در چنگال آن گرفتار آیم (نامه‌ی ۴۵، صص ۴۵-۴۶). این دنیایی که در آرزوی آنیم و خشم و خشنودی را موجب می‌شود، نه خانه‌ی ما و نه جایگاهی است که ما را برای آن آفریده‌اند (خطبه‌ی ۱۷۳، ص ۱۷۹). ارزش و عظمت کرامت انسانی و هدفی که انسان برای آن خلق شده است، بسیار بالاتر و والاتر است. حداقل ارزشی که می‌توان برای کرامت نفس انسان تعیین کرد، بهشت است:

آیا آزاده‌یی نیست که این خرده طعام مانده در کام - دنیا - را بیفکند و برای آنان که درخورش هستند، نهد؟ جان‌های شما را بهایی نیست جز بهشت جاودان؛ پس مفروشیدش جز بدان. (۴)

و فروختن عزت نفس و کرامت انسانی به بهای بهشت، حداقل بهایی است که فقط انسان‌هایی که نگرش کاسبکارانه دارند، به آن مبادرت می‌ورزند؛ و اولیای خداوند و بزرگان عرفان و معرفت، در پی اتصال به کرامت مطلق هستند و حتی به بهشت هم راضی نمی‌شوند.

### جلوه‌های تحقق کرامت انسانی

اگرچه کرامت انسانی از روح دمیده شده‌ی خداوند در وجود انسان منشأ گرفته و شایسته است در آخرت نیز به کرامت مطلق ملحق شود، به حکم عقل و براساس نقل، در این دنیا نیز اهداف والا و مقدسی مدنظر خالق یکتا بوده است. شاید یکی از اهداف مدنظر شارع مقدس، تحقق کرامت انسانی و فعلیت بخشیدن به جلوه‌های آن در زندگی دنیایی است. انسان بالفطره، موجودی اجتماعی است؛ بنابراین، کرامت انسانی باید در اجتماعات بشری تحقق و تجلی پیدا کند. یک اجتماع بشری، ضرورتاً به حاکم و نظام سیاسی نیاز دارد و در نتیجه تحقق کرامت انسانی با نظام سیاسی جامعه ارتباط مستقیم پیدا می‌کند. یک حکومت دینی و نظام سیاسی مبتنی بر شرع مقدس، اگر بخواهد در راستای خواست

و فرمان‌های الهی حرکت کند، باید یکی از برنامه‌هایش تحقق کرامت انسانی در جامعه باشد، و برای این منظور، ناگزیر به راهکارها و شیوه‌های مبتنی بر شرع مقدس نیازمند است. برخی از این شیوه‌ها، و به عبارت دیگر برخی از جلوه‌های تحقق کرامت انسانی از دیدگاه حضرت علی (ع) عبارتند از: ۱. برابری، ۲. حفظ عزت نفس انسانی، ۳. تکریم و احترام به شخصیت انسان.

### ۱. برابری

همه‌ی انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و قوم و قبیله، نسب، رنگ پوست، شرایط اقلیمی و حتی دین و مذهب، هیچ تأثیری در ماهیت انسانی ندارند. آنچه در دنیای امروز به آن حقوق بشر گفته می‌شود، براساس همین اصل برابری انسان‌ها پی‌ریزی شده است. اولین فرد یا گروهی که باید به این برابری انسان‌ها اعتقاد داشته باشند و برای تحقق آن گام بردارند، حاکمان و نخبگان سیاسی جامعه هستند. حضرت علی (ع) خطاب به حاکم مصر می‌فرمایند:

و مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و دوستی ورزیدن با آنان را و مهربانی کردن با همگان، و مباش همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری؛ چه، رعیت دو دسته‌اند: دسته‌ی برادر دینی تواند و دسته‌ی دیگر در آفرینش با تو همانند. (۵)

انسان به صرف انسان بودن، از حقوقی برخوردار می‌شود که رعایت آن برهمگان به‌ویژه حاکمان و نخبگان سیاسی جوامع ضروری است.

حضرت در ادامه‌ی نامه‌ی فوق، دستوراتی صادر می‌فرمایند و حاکم مصر را سفارش می‌کنند که آنها را در مورد همه‌ی مردم تحت حکومت خود - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - به کار بندد. حضرت علی (ع) حتی برای حاکمان و رهبران جامعه، هیچ حق تقدیمی قائل نمی‌شوند و به مالک اشتر تصریح می‌فرمایند که:

بپرهیز از آنکه چیزی را به خود مخصوص داری که - بهره‌ی - همه‌ی مردم در آن یکسان است. (۶)

و البته این یکسانی بهره‌ی همه‌ی مردم حتی حاکمان، فقط در حقوقی است که خداوند برای انسان - بما هو انسان - قرار داده است و شکی نیست که در زندگی فردی و اجتماعی، هر که بیش‌تر تلاش کند، بهره‌ی بیش‌تری خواهد برد.

حضرت علی (ع) هنگام خلافت خود، روزی درصدد تقسیم بیت‌المال برآمد؛ خطاب به مردم فرمود:

ای مردم!... از آدم (ع)، فرزندی به عنوان غلام یا کنیز متولد نشد. همه‌ی مردم آزادند و امروز به‌خاطر شرایط و مقتضیاتی، برخی بنده و مملوک شما قرار گرفته‌اند... مقداری از اموال مسلمانان نزد من جمع شده است که باید در میان شما از سیاه‌پوست و سفیدپوست تقسیم شود.

بعد حضرت به هر نفر سه دینار داد. مردی از انصار و غلام سیاهش که روز گذشته آزاد شده بود، هر کدام سه دینار گرفتند. مرد انصاری اعتراض کرد که: «یا علی! من این غلام را دیروز آزاد کرده‌ام. آیا سهم مرا با او به یک اندازه می‌پردازی؟» امام (ع) پاسخ دادند: «من در کتاب خدا نگاه کردم و هیچ برتری بین فرزندان اسماعیل [که کنیز زاده بودند] و فرزندان اسحاق [که آزاده بودند] ندیدم. (ثقة الاسلام کلینی ۱۴۱۳ ه.ق: ص ۴۹)

چنان که گذشت، برابری یکی از اصول کرامت انسانی و یکی از شیوه‌های ارج نهادن و تحقق کرامت انسانی در جامعه به‌شمار می‌رود. همه‌ی انسان‌ها به خاطر شرافت و کرامت انسانی خود قابل احترام‌اند و همه‌ی شهروندان در مقابل قانون از حقوق یکسان برخوردارند (شیخ مفید ۱۳۷۱: ص ۱۴۳؛ مسعودی ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۳۳۴؛ ثقفی کوفی اصفهانی ۱۳۵۵: ج ۱، ص ص ۱۲۰ و ۱۲۴؛ ج ۲، ص ۵۳۳؛ ابی‌یعقوب - ج ۲، ص ۲۱۴). حضرت علی (ع) به حدی به این اصل پایبند بود که تضعیف و تزلزل نظام اسلامی نوپای خود را پذیرفت، اما هیچ‌گاه این اصل را زیر پا نهاد و بی‌جهت شخصی را بر دیگری ترجیح نداد. فضیل بن جعد گوید: مهم‌ترین عاملی که موجب شد عرب از حمایت حضرت علی (ع) دست بکشد، مسائل مالی بود؛ زیرا امام (ع) شریف را بر غیر شریف و عرب را بر عجم برتری نمی‌داد و با رؤسا و بزرگان قبایل آن‌طور که پادشاهان رفتار می‌کردند، رفتار نمی‌کرد و سعی نمی‌کرد کسی را [با اعطای ضله و مال] به خود متمایل کند، در حالی که معاویه عکس این عمل می‌کرد و به همین جهت مردم علی (ع) را ترک می‌کردند و به معاویه می‌گرویدند (ابن ابی‌الحدید ۱۳۸۷ ه.ق: ج ۱۷، ص ۱۹۷).

حتی نزدیکان و یاران حضرت به او گفتند که خاطر تقویت و حفظ نظام نوپای سیاسی، قدری از این اموال را به آنان که بیم مخالفت و گریزشان به سوی معاویه می‌رود، عطا کن؛ ولی حضرت برآشفته و فرمود:

مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن درباره‌ی آنکه والی اویم!؟ به خدا که نپذیرم تا جهان سرآید و ستاره‌ی در آسمان پی ستاره‌ی برآید. اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم - که چنین تقسیم سزا است - تا چه رسد که مال، مال خدا است. (۷)

## ۲. حفظ عزت نفس انسانی

مناعت طبع و عزت نفس انسانی، از گوهرهای ارزشمند وجود انسان است که تحت هیچ شرایطی نباید لگدمال شود و یا حتی خدشه بر آن وارد آید. حضرت علی (ع) بر این اعتقادند که در یک حکومت دینی، رهبران و نظام سیاسی جامعه باید با پایبندی به اصول، مبانی، و ارزش‌های الهی، اخلاقی و انسانی و با سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در چارچوب همین اصول، زمینه‌های حفظ عزت نفس انسانی را در جامعه فراهم آورند و علو اخلاقی مردم را تحکیم بخشند. تملق و چاپلوسی، از مهم‌ترین آفت‌های عزت نفس انسان به‌شمار می‌روند و معمولاً صاحبان قدرت و ثروت، نقش مهمی در ایجاد و اشاعه‌ی این روحیه ایفا می‌کنند. امام علی (ع) در نظام سیاسی خود، به‌شدت با این خصیصه مبارزه می‌کردند و همواره به استناداران و فرمانداران خود سفارش می‌فرمودند که: «اطرافیان خود را چنان پیروید که شما را نستایند و بی‌جهت خاطر تان را شاد نکنند» (نامه‌ی ۵۳، صص ۳۲۸ و ۳۴۰).

روزی امام (ع) در صفین سخنرانی می‌فرمودند، مردی از یاران او بلند شد و حضرت را ستود. از ادامه‌ی خطبه چنین برمی‌آید که حضرت برآشفتنند و به‌طور ضمنی آن مرد را نکوهش کردند. امام ضمن یادآوری این نکته که از زشت‌ترین خوی حاکمان این است که بخواهند مردم آنان را دوستدار بزرگمنشی شمارند، فرمود:

و خوش ندارم که در خاطر شما بگذرد که من دوستدار ستودنم و خواهان ستایش شوندم. سپاس خدا را که بر چنین صفت نزادم و اگر ستایش دوست بودم، آن را وای نهادم... و بسا مردم که ستایش را دوست دارند، از آن پس که در کاری کوششی آرند. لیکن مرا به نیکی مستایید تا از عهده‌ی حقوقی که مانده است، برآیم و واجب‌ها که بر گردنم باقی است، ادا نمایم. پس با من چنان که با سرکشان گویند، سخن مگویند و چونان که با تیزخویان کنند، از من کناره‌مجویید و با ظاهرآرایی آمیزش مدارید و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید؛ و نخواهم مرا بزرگ انگارید. (۸)

گذشته از تملق و ستایش که حضرت (ع) بارها آن را منع و نهی فرمودند، هر مسئله‌یی که به نحوی موجب می‌شد عزت نفس انسانی خدشه دار شود، امام (ع) آن را بر نمی‌تافت و با آن مخالفت می‌نمود.

حضرت علی (ع) هنگام عزیمت به صفین، در حال عبور از شهر «انببار» بودند. کشاورزان این شهر طبق رسوم و تشریفات ایرانیان، به استقبال امام (ع) آمدند و ابتدا پیشاپیش آن حضرت دویدند. حضرت (ع) دلیل این کار را پرسیدند، آنان پاسخ دادند: بدین کار، امیران خود را بزرگ می‌شماریم (ابن ابی‌الحدید ۱۳۸۷ هـ. ق. ج ۳، صص ۲۰۳-۲۰۴). حضرت ضمن نهی این عمل، خطاب به آنان فرمودند:

به خدا که امیران شما از این کار سودی نبرند؛ و شما در دنیایان خود را بدان به رنج می‌افکنید و در آخرتتان بدبخت می‌شوید، و...<sup>(۹)</sup>

اگر یکی از هدف‌های مهم امام علی (ع) را تجلی و تحقق کرامت انسانی در جامعه و تلاش برای حفظ عزت نفس انسانی بدانیم، این کار و کارهای مشابه، اقداماتی برخلاف جهت هدف اصلی به‌شمار می‌روند.

در بازگشت از صفین نیز امام (ع) به تیره‌یی از قبیله‌ی «همدان» برخورد کردند. «حرب بن شرحبیل شبامی» - که بزرگ قبیله بود - پیاده در رکاب حضرت (ع) به راه افتاد در حالی که امام (ع) سوار بود. حضرت (ع) خطاب به وی فرمود: برگرد که این‌گونه راه رفتن تو موجب می‌شود والی فریفته و مؤمن خوار شود (نصرین مزاحم‌المنتصری ۱۴۰۳ هـ. ق: ص ۵۳۲).

### ۳. تکریم و احترام به شخصیت انسان

تکریم و احترام به شخصیت انسان و حفظ حرمت انسانی، جایگاه خاصی در سیاستگذاری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حضرت علی (ع) داشت. امام علی (ع) حفظ حرمت انسانی را بر همه چیز مقدم می‌داشتند و حتی حاضر بودند در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بهای سنگینی برای آن پردازند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که حفظ حرمت و شخصیت انسانی، از برنامه‌های استراتژیک امام علی (ع) در سیاست و حکومتش به‌شمار می‌رفت. تکریم و احترام به شخصیت انسان در تمامی



برهه‌های سیاسی - اجتماعی آن حضرت - از بیعت و انتخاب والیان گرفته تا جنگ و مقابله با دشمنان و مسائل اقتصادی و سازندگی - از تقدم و اولویت برخوردار بود؛ و پایبندی به اصول انسانی و اخلاقی، در جزء جزء سیره و رفتار امام (ع) موج می‌زد. امام (ع) در دستوری خطاب به یکی از مأموران زکات نوشت:

مسلمانی را مترسان! و اگر او را خوش نیاید، بر ستر وی تران! و بیش از حق خدا از مال او مستان! چون به قبیله رسی، بر ستر آب آنان فرود آی و به خانه‌هاشان در میای! پس آهسته و آرام سوی ایشان رو تا به میان آنان رسی، و سلامشان کن، و در درود گفتن کوتاهی مکن! سپس بگو: بندگان خدا! مرا ولی خدا و خلیفه‌ی او سوی شما فرستاد تا حقی را که خدا در مال‌هاتان نهاده، از شما بگیرم. آیا خدا را در مال‌های شما حقی هست تا آن را ادا سازید و به ولی او بپردازید؟ اگر کسی گفت نه، متعرض او مشو! اگر کسی گفت آری، با او برو، بی آنکه او را بترسانی یا بپوش دهی یا بر او سخت‌گیری یا کار را بر او سخت گردانی! آنچه از زری یا سیم به تو دهد، بگیر و اگر او را گاو و گوسفند و شترها است، بی‌ریختن او میان آن درمشو که بیش‌تر آن رمه اوراست، و چون به رمه رسیدی، چونان کسی به میانشان مرو که بر رمه چیرگی دارد یا خواهد که آنها را بیازارد و چهارپایان را از جای مگریزان و مترسان و با خداوند آن در گرفتن حق خدا بدرفتاری مکن! پس مال را دو بخش کن و خداوند مال را مخیر گردان! و هر بخش را که برداشت، متعرض او مشو! پس پیوسته چنین کن تا آنچه از مال او باقی می‌آید، حق خدا را ادا کردن شایدا پس حق خدا را از او بگیر - و اگر گمان زیاد کند - و خواهد آنچه را قسمت شده است، به هم زند، بپذیرا سپس هر دو بخش را به هم بیامیز و همچون بار نخست قسمت کن نیز! تا حق خدا را از مال او بستانی. (۱۰)

مسئله‌ی زکات، یکی از ارکان اقتصادی حکومت امام علی (ع) به حساب می‌آمد. فراز فوق، بخشی از یکی از فرمان‌های امام (ع) به مأموران زکاتش است. علی‌القاعده محور بحث امام (ع) در نامه‌ی فوق باید گرفتن مالیات باشد؛ اما چنان که می‌بینیم، نکات اخلاقی، نحوه‌ی برخورد انسانی و احترام به شخصیت انسان‌ها همه چیز را تحت تأثیر قرار داده و محور نامه‌ی امام (ع) را به خود اختصاص داده است. یکی از نکات جالب توجه در نامه این است که امام (ع) می‌فرماید به صاحب مال بگو: «آیا خدا را در مال‌های شما حقی است تا آن را ادا سازید و به ولی او بپردازید؟ اگر کسی گفت نه، متعرض او مشو». این همه اعتماد به اعراب بادیه‌نشین که گاه بر سر یک گوسفند و شتر همدیگر را می‌کشند، واقعاً اعجاب‌انگیز است. طبیعی است که امام (ع) می‌دانست

ممکن است برخی از مردم به دروغ بگویند مالی برای پرداخت نداریم و چه بسا مأمور امام (ع) از این دروغ مردم آگاه باشد. با این حال، امام (ع) هیچ‌گاه اجازه‌ی تحقیق و تجسس و حتی اجازه‌ی وارد کردن شبهه بر پاسخ مردم را نمی‌دهد و مأمورش را مکلف می‌کند که به پاسخ «نه» اعتماد کند. اعتماد به مردم - حتی اگر شبهه‌ی دروغ وجود داشته باشد - بالاترین مصداق تکریم و احترام به شخصیت انسانی است؛ و ضمن اینکه اعتماد متقابل مردم و نظام سیاسی را افزایش می‌دهد، موجب می‌شود که مردم در دفعات بعد شخصیت خود را بالاتر از آن بدانند که بخواهند به جهت امور دنیوی، دروغ بگویند. حضرت (ع) در نامه‌ی دیگری، خطاب به یکی از مأموران زکاتش می‌نویسند:

و او را می‌فرمایم که [زیردستان خود را] نرنجانند و آنها را دروغگو ندانند و به خاطر امیربودن، روی از ایشان برنگردانند. (۱۱)

امام علی (ع) حتی از این هم فراتر می‌رفت و مأموران زکات خود را نه تنها به رعایت و حفظ حرمت و احترام مردم سفارش می‌کرد، بلکه به آنان تأکید می‌کرد که: «آنچه را برای مردم مطلوب است، برای آنان بپذیرید و آنها را از مطلوبشان باز مدارید و حتی تا آنجا که می‌توانید، نیازهای آنان را برآورده سازید». حضرت (ع) در این نامه - که باز هم مملو از نکات اخلاقی و ارزش‌های الهی است - به مأمورانش دستور می‌دهد که پوشش زمستانی و تابستانی و مرکب و غلام افراد را به خاطر گرفتن زکات نفروشید. اوج نامه هنگامی است که امام (ع) می‌فرماید:

و برای درهمی، کسی را تازیانه مزید و دست به مال کسی مبرید! نمازگزار باشد یا یمان مسلمانان را عهده‌دار. (۱۲)

یعنی به خاطر پول و جمع‌آوری مالیات، به هیچ انسانی - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - نباید هتک حرمت و با او به خشونت رفتار شود. اگرچه این موضوع ممکن است در دنیای امروز امری عادی تلقی شود، در مقایسه با یک صد سال قبل و به طریق اولی در مقایسه با یک هزار و سیصد سال قبل که حکام با زور و خشونت از مردم مالیات می‌گرفتند، بسیار حائز اهمیت است. رعایت حقوق انسان به بهترین وجه و تکریم و احترام شخصیت انسانی در بالاترین درجه، از ویژگی‌های منحصر به فرد حکومت و نظام سیاسی حضرت علی (ع) بود.

### موانع تحقق کرامت انسانی

برای تحقق کرامت انسانی، موانع عدیده‌یی ممکن است وجود داشته باشد. قبل از این سه شاخص برابری، حفظ عزت نفس انسانی و تکریم و احترام به شخصیت انسان، به عنوان راهکارها یا جلوه‌های تحقق کرامت انسانی برشمرده شد. بی تردید هر اقدامی که برخلاف جهت این سه شاخص انجام پذیرد، از موانع تحقق کرامت انسانی به‌شمار می‌رود. در ادامه‌ی بحث، چون در مقام برشماری همه‌ی موانع تحقق کرامت انسانی نیستیم، فقط به مهم‌ترین مانع آن یعنی فقر اشاره می‌کنیم.

### فقر، مهم‌ترین مانع تحقق کرامت انسانی

شاید در دنیا هیچ پدیده‌یی را سراغ نداشته باشیم که به اندازه‌ی فقر و نیاز، مناعت طبع و عزت نفس انسان‌ها را لگدمال کرده و از بین برده باشد. البته فقر برای بزرگان و اولیای خدا فخر است و موجب تکامل و تعالی آنها؛ اما در هر زمان، چند درصد مردم جامعه این‌گونه‌اند؟ بنابراین، فقر موجب فساد اخلاق عامه‌ی مردم می‌شود. (۱۳) «فقر بزرگ‌ترین مرگ است.» (۱۴) و برای انسان نیازمند، «قبر بهتر از فقر است.» (۱۵) امام (ع) بر این نکته تصریح دارند که فقر، نفس انسان را ذلیل و عقل او را سرگردان می‌کند و موجب غم و غصه می‌شود. (۱۶) بدیهی است که نفس ذلیل و عقل سرگردان، هیچ سازگاری و تناسبی با کرامت انسانی ندارند و انسان اندوهناک و غمگین به تنها چیزی که نمی‌اندیشد، کرامت انسانی است. امام (ع) درباره‌ی فقر، به فرزندش محمد حنفیه هشدار می‌دهد و به اوسفارش می‌کند که: «از فقر به خدا پناه ببر زیرا فقر موجب نقصان دین می‌شود، عقل را سرگردان می‌کند و دشمنی پدید می‌آورد.» (۱۷) حضرت (ع)، خود نیز با آن همت والا و عزت نفس بی‌مانند که نمونه‌ی انسان کامل است، به درگاه الهی دست دعا برمی‌دارد که:

خدایا! به توانگری آبرویم را نگاه‌دار و به تنگدستی حرمتم را ضایع مگذار تا روزی خواهم از بندگان روزی‌خوارت و مهربانی جویم از آفریدگان بدکوارت، و به ستودن کسی مبتلا شوم که به من عطایی ارزانی داشته است و به نکوهیدن آن کس فریفته شوم که بخشش خود را از من باز داشته است. (۱۸)

فرمایش حضرت علی (ع)، با صراحت بر این نکته دلالت دارد که فقر و تنگدستی، آبروی انسان را از بین می‌برد و باعث می‌شود حرمت او ضایع شود. انسان فقیر مجبور است گوهر عزت و مناعت خود را زیر پا نهد و به بندگان خدا چشم امید بدوزد و از آنها لطف و مرحمت انتظار داشته باشد؛ و در اینجا است که زمینه‌های ستایش و تملق افراد فراهم می‌شود و با ستایش و تملق انسانی دیگر به دلیل برخورداری از بهره‌ی ناچیز مادی، عزت نفس و کرامت والای انسانی به پایین‌ترین حد سقوط می‌کند و در این مرحله است که می‌توان گفت انسان هیچ ندارد، و هیچ نیست، چرا که ماهیت انسانیش را که فرشتگان در مقابلش سجده کردند، از دست داده است. بنابراین، فقر مهم‌ترین آفت کرامت انسانی است.

### نتیجه‌گیری

کرامت انسانی، یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های ماهیت انسان به‌شمار می‌رود و همان است که خداوند به فرشتگان امر فرمود در مقابلش به خاک بیفتند، و موجودی که در برابر این کرامت سر تعظیم فرود نیاورد، به خشم الهی دچار شد. بنابراین، در هیچ زمان و مکانی شایسته نیست به کرامت انسانی بی‌احترامی شود و بر آن خدشه وارد آید یا به انسانی تحقیر و توهین شود.

تحقق کرامت انسانی و ظهور و بروز جلوه‌های آن که بر عهده‌ی نظام سیاسی و حکومت است، عبارتند از:

۱. برابری: همه‌ی انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و هیچ‌کس حتی حاکمان جامعه - بما هو انسان - بر دیگری برتری ندارد.

۲. حفظ عزت نفس انسانی: عزت نفس و مناعت طبع انسان هیچ‌گاه نباید دستخوش تحقیر و توهین شود؛ و مهم‌ترین آفت عزت نفس انسان، تملق و تملق‌گرایی است.

۳. تکریم و احترام به شخصیت انسان: حفظ حرمت انسانی و تکریم شخصیت انسان باید از اهداف استراتژیک نظام سیاسی و محور سیاستگذاری در تمامی حوزه‌ها باشد. در نظام سیاسی باید به گونه‌ی سیاستگذاری و تصمیم‌گیری شود که زمینه‌های تحقیر و

بی‌احترامی به شخصیت انسانی به کلی از بین برود. تحقق و تجلی کرامت انسانی، موانع و آفاتی دارد که مهم‌ترین آنها فقر است. فقر سبب می‌شود کرامت، حرمت، و عزت نفس انسان‌ها از بین برود و فساد، ذلت، تملق و تضعیف حرمت انسان رواج یابد.

### بی‌نوشت‌ها

۱. «وَأَشَادَی اللّٰهَ وَ سُبْحَانَہُ الْمَلَائِکَۃَ وَ دِعْبَتَہُ لَدَیْہِمُ وَ عَقَدَ وَصِیَّةَ الْیَوْمِ فِی الْإِذْعَانِ بِالسُّجُودِ لَہُ وَ الْخُشُوعِ لِتَکْرِیْمِہِ. فَقَالَ سُبْحَانَہُ: «... أَتَسْجُدُوا لِآدَمَ...» نہج البلاغہ: صبحی صالح. خطبہی ۱، ص ۴۲؛ ترجمہی عبدالمجید معادینخواہ ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۴۹۶).
۲. «... فَسَجَدَ الْمَلَائِکَۃُ كُلُّہُمْ لِآدَمَ... إِلَّا إِبْلِیْسَ...» (۱۰۱/۳۰ و ۳۱ و ۳۸/۷۳ و ۷۴) أَعْرَضَتْہُ الْحَمِیَّةُ فَأَفْتَحَ عَلَی آدَمَ بِعَلْقِیْہِ. وَ تَعَصَّبَ عَلَیْہِ لِأَخْلِیْہِ. فَعَذَّرَ اللّٰهَ إِمَامَ الْمُتَعَصِّبِیْنَ. وَ سَلَفَ الْمُتَشَكِّکِیْنَ. (نہج البلاغہ، صبحی صالح. خطبہی ۱۹۲، ص ۲۸۶؛ ترجمہی عبدالمجید معادینخواہ ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۴۹۶).
۳. «الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَہُ وَ كَفَى بِالْمُرُوِّ جَهْلًا إِلَّا یَعْرِفُ قَدْرَہُ» (نہج البلاغہ، ترجمہی سید جعفر شہیدی ۱۳۷۲: خطبہی ۱۰۳، ص ۹۵).
۴. «أَلَا یَدْعُ ہذِہِ الْأُلْهَاطَہُ بِأَهْلِہَا؟ إِنَّہُ نَیْسٌ یَأْتِنْسُکُمْ مِّنْ إِلَّائِمَّةٍ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِہَا. (همان، قصار ۴۵۶، ص ۴۴۲).
۵. «وَأَسْمِعُوا قَلْبَکَ الرَّحْمَۃَ لِلرَّوِیَّةِ وَ الْهَمَّةَ لِمَنْ وَ اللَّطْفَ بِہِم. وَلَا تَکُونَنَّ عَلَیْہِمُ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَمُّ أَعْنَاقَہُمْ، فَإِنَّہُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَوْ كَفَى فِی الدِّیْنِ وَ إِمَّا نَظِیرٌ لَکَ فِی الْفَلَاقِ» (همان، نامہی ۵۳، ص ۳۲۶).
۶. «وَ إِبَائَکَ وَ الْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِیْہِ أَسْوَدَ. (همان، نامہی ۵۳، ص ۳۴۰).
۷. «أَتَأْمُرُونِی أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجُورِ فِیْمَنْ وَ لِبِئْسَ عَلَیْہِ. وَ اللّٰهَ مَا أَطُورُ بِہِ مَا سَمِعَ سَمِیرٌ وَ مَا أُمَّ نَحْمٌ فِی السَّمَاءِ نَحْمًا. لَوْ کَانَ الْمَالُ لِی لَسَوَّیْتُ بَیْنَهُمْ فَکَیْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللّٰهِ» (ثقفی کوفی اصفہانی ۱۳۵۵: ج ۱، ص ۷۵؛ نہج البلاغہ، ترجمہی سید جعفر شہیدی ۱۳۷۲: خطبہی ۱۲۶، ص ۱۲۴).
۸. «وَ قَدْ كَرِهْتُ أَنْ یَكُونَ جَانٌ فِی ظَنِّکُمْ أَنِّی أَحِبُّ الْإِطْرَاءَ وَ اسْتِیَاعَ الشَّأْوِ. وَ لَسْتُ یَحْتَدِلُّ لَیَّ كَذَا الْك. وَ لَوْ كُنْتُ أَحِبُّ أَنْ یَعَالَ ذَلِکَ لَوَكَّیْتُہُ... وَ رَبَّمَا اسْتَعْلَى النَّاسُ الشَّأْوَ بَعْدَ الْبَلَاءِ. فَلَا تُثْنُوا عَلَیَّ بِجَمِیلٍ تَنَاءٍ لِأَخْرَاجِنِ نَفْسِی إِلَى اللّٰهِ وَ إِلَیْکُمْ مِنَ النَّقِیَّةِ فِی حَقِّوِّی لَمْ أُوْرَغْ مِنْ أَدْبَائِہَا. وَ قَرَأْتُ بِضَ لَیْمٍ مِنْ إِمضَائِہَا. فَلَا تُكَلِّمُونِی بِمَا تُكَلِّمُ بِہِ الْجَبَابِرَہُ. وَ لَا تَتَحَفَّظُوا مِنِّی بِمَا یَتَحَفَّظُ بِہِ عِنْدَ أَهْلِ الْإِبَادِرَہُ وَ لَا تُحَاطَبُونِی بِالصَّانِعَةِ. وَ لَا تَظُنُّوْا فِی اسْتِثْقَالِی فِی حَقِّی قَبْلِی وَ لَا الْفِئَاسَ إِعْظَامِ لِنَفْسِی. (نہج البلاغہ، ترجمہی سید جعفر شہیدی ۱۳۷۲: خطبہی ۲۱۶، ص ۲۵۰).
۹. «وَ اللّٰهَ مَا یَنْتَفِعُ بِہَذَا أَمْرًا وَ كَمْ. وَ إِنَّکُمْ تَتَشَفَّعُونَ بِہِ عَلَی أَنْفُسِکُمْ فِی دُنْیَاکُمْ وَ تَتَشَفَّعُونَ بِہِ فِی آخِرَتِکُمْ. (همان، قصار ۳۷، ص ۳۶۶).

۱۰. بررسی ملاحظه‌ی متن عربی نامه (که به دلیل طولانی بودن) آن خودداری شد (ر.ک: سید جعفر شهیدی ۱۳۷۲: نامه‌ی ۲۵، ص ۲۸۶).

۱۱. وَأَمْرُهُ أَنْ لَا يَجِبَهُمْ وَلَا يَغُضُّهُمْ، وَلَا يُؤْعَبُ عَنْهُمْ تَفَضُّلاً بِالْإِمَارَةِ عَلَيْهِمْ. (همان نامه‌ی ۲۶، ص ۲۸۸).

۱۲. وَلَا تُضْرِبُنَّ أَحَدًا سَوْطًا لِيَكُنْ دِرْهَمٌ، وَلَا تَمَسَّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُضَلًّا وَلَا مُعَاهِدًا (همان. نامه‌ی ۵۱، ص ۳۲۲).

۱۳. التَّمَرُّ بِفَسَادِ الْإِخْلَاقِ. (عبدالواحد آل‌امدی التمیمی ۱۴۰۷ هـ.ق: ج ۱، ص ۴۱).

۱۴. الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ، (نهج البلاغه، صبحی صالح. قصار ۱۶۳، ص ۵۰۰).

۱۵. ... وَالْقَبْرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ. (ثقة الاسلام کلینی ۱۴۱۳ هـ.ق: ص ۱۸).

۱۶. إِنْ الْفَقْرُ مَذَلَّةٌ لِلنَّفْسِ مَدْهِنَةٌ لِلْعَقْلِ جَالِبٌ لِلْهَوْمِ. (عبدالواحد آل‌امدی التمیمی ۱۴۰۷ هـ.ق: ج ۱، ص ۲۱۶).

۱۷. يَا بَنِيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ، فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنَقَصَةٌ لِلدِّينِ، مُدْهِنَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمُنْتَقِ.

(نهج البلاغه. صبحی صالح. قصار ۳۱۹، ص ۵۳۱).

۱۸. اللَّهُمَّ صُنِّ وَجْهِي بِالتَّسَارُّ، وَلَا تَبْذُلْ جَاهِي بِالِاقْتِرَارِ فَاسْتَرْزِقْ طَالِبِي رِزْقِكَ وَاسْتَنْطِيفْ شِرَارَ خَلْقِكَ وَابْتَلِ

بِحَلْدِي مَنْ أَعْطَانِي وَأَنْتَنَ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي. (سید جعفر شهیدی ۱۳۷۲: خطبه‌ی ۲۲۵، ص ۲۶۰).

## کتابنامه

ابن ابی الحدید. ۱۳۸۷ هـ.ق / ۱۹۶۷ م. شرح نهج البلاغه. حقه محمدابوالفضل ابراهیم. ج ۱۷. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

احمد بن ابی یعقوب. ۱۳۹۰ هـ.ق / ۱۹۷۰ م. تاریخ یعقوبی. ج ۲. بیروت: دارصادر.

التمیمی، عبدالواحد آل‌امدی. ۱۴۰۷ هـ.ق: غرر الحکم ودرر الکلم. ج ۱. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

تقی کوفی اصفهانی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد. ۱۳۵۵. الغارات. ج ۲. تهران: انجمن آثار ملی.

الشیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان. ۱۳۷۱/ الحجل. حقه السید علی میرشریفی قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

صبحی صالح. ۱۳۸۷ هـ.ق. نهج البلاغه. بیروت، افست فی ایران: ۱۳۹۵ هـ.ق.

قرآن مجید.

الکلینی، (ثقة الاسلام) ابی جعفر محمد بن یعقوب. ۱۴۱۳ هـ.ق / ۱۹۹۲ م. روضة الکاظمی. تحقیق از: الشیخ محمد

جواد الفقیه. بیروت: دارالاضواء.

شهیدی، سید جعفر. ۱۳۷۲. نهج البلاغه. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. ۱۳۷۰. مروج الذهب. ابوالقاسم پاینده. ج ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

معادینخواه، عبدالمجید. ۱۳۷۲. فرهنگ آفتاب. ج ۱. تهران: نشر ذره.

المنقری، نصر بن مزاحم. ۱۴۰۳ هـ.ق. وقعة صفین. تحقیق و شرح از عبدالسلام محمد هارون. قم: منشورات

مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.